

حدود و ضوابط تجارت با کفار در پرتو فقه اسلامی

محمد نبی رحیمی

پوهنځی، علوم و فرهنگ اسلامی، تعلیم و تربیه، پوهنتون غور، فیروز کوه، افغانستان (نویسنده مسئول).

ایمیل: M.N.Rahimi@ghru.edu.af

تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۱۰/۱۰ - تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۱۱/۲۳ - تاریخ نشر: ۱۴۰۴/۱۲/۲۸

چکیده

تجارت و تعاملات اقتصادی با کفار از دیرباز یکی از موضوعات مهم کشورهای اسلامی بوده و فقه اسلامی با توجه به مبانی آیات قرآنی و احادیث نبوی به تبیین حدود و ضوابط آن پرداخته است. هدف اصلی این مقاله بیان مفهوم تجارت، مشروعیت تجارت و احکام تجارت با کفار در پرتو فقه اسلامی است. سوالات اساسی آن است که آیا تجارت با کفار جایز است؟ چه ضوابطی باید رعایت شود؟ و چه شرایطی برای انجام این تجارت وجود دارد؟ ازجمله مباحث قابل توجه در این زمینه هستند. این مقاله با روش توصیفی-تحلیلی، به بررسی چارچوب‌های فقهی حاکم بر تجارت با کفار پرداخته و دیدگاه‌های فقه‌های اسلامی را در این زمینه تحلیل شده است. یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد که اصل جواز تجارت با کفار، به‌ویژه کفار غیر محارب، موردپذیرش فقها است؛ بااین حال، این جواز مقید به شرایطی همچون عدم تقویت جبهه دشمنان اسلام، پرهیز از معامله در امور حرام، رعایت مصالح مسلمانان و حفظ عزت و استقلال جامعه اسلامی می‌باشد. همچنین در مواردی که تجارت موجب سلطه اقتصادی، فرهنگی یا سیاسی کفار بر مسلمانان شود، حکم به حرمت یا محدودیت آن داده شده است. درنتیجه می‌توان گفت فقه اسلامی با رویکردی واقع‌گرایانه و درعین حال ارزشی، ضمن پذیرش اصل تعامل اقتصادی، ضوابط روشنی را برای صیانت از منافع و هویت جامعه اسلامی ارائه می‌دهد.

کلیدواژه‌ها: اسلامی، تجارت، حدود، ضوابط، فقه، کفار

استناد: رحیمی، محمد نبی. (۱۴۰۴). حدود و ضوابط تجارت با کفار در پرتو فقه اسلامی. مجله علمی-تحقیقی

پوهنتون غور، ۲(۲)، ۴۳-۶۴.

The Limits and Regulation of Trade with Non-Muslims in Light of Islamic Jurisprudence and Its Underlying Wisdoms

Mohammad Nabi Rahimi

Teaching Assistant, Islamic Science and Culture, Education, Ghor University.
Firozkoh, Afghanistan. (Corresponding author). Email ad: M.N.Rahimi@ghru.edu.af

Received: 31/12/2025 | Accepted: 12/2/2025 | Published: 19/3/2026

Abstract

Trade and economic interactions with non-Muslims have long been among the significant issues facing Islamic countries. Islamic jurisprudence, drawing upon the foundations of Qur'anic verses and Prophetic traditions, has addressed the clarification of their limits and regulations. The primary objective of this article is to explain the concept of trade, the legitimacy of trade, and the rulings governing trade with non-Muslims in the light of Islamic jurisprudence. The central questions include: Is trade with non-Muslims permissible? What regulations must be observed? And what conditions govern such transactions? These are among the key issues examined in this study. Using a descriptive-analytical method, this article investigates the juristic frameworks governing trade with non-Muslims and analyzes the viewpoints of Islamic jurists in this regard. The findings indicate that the fundamental permissibility of trade with non-Muslims—particularly those who are not at war with Muslims—is accepted by jurists. However, this permissibility is subject to certain conditions, such as refraining from strengthening the enemies of Islam, avoiding transactions involving prohibited (haram) matters, safeguarding the interests of Muslims, and preserving the dignity and independence of the Islamic community. Furthermore, in cases where trade leads to the economic, cultural, or political domination of non-Muslims over Muslims, it is deemed prohibited or subject to restriction. In conclusion, Islamic jurisprudence adopts a realistic yet value-oriented approach: while recognizing the principle of economic interaction, it establishes clear regulations to protect the interests and identity of the Islamic community.

Keywords: Islamic, trade, limits, regulations, jurisprudence, non-Muslims

Cite: Rahimi, M. N. (2026). The limits and regulation of trade with non-Muslims in Islamic jurisprudence and Its underlying wisdoms. *Scientific Research Journal of Ghor University*, 2(2), 43-64.

مقدمه

الحمد لله الذي أحلَّ البيع وحرَّم الربا، وشرع لعباده من الأحكام ما يحفظ مصالحهم، والصلاة والسلام على سيدنا محمد، وعلى آله وصحبه أجمعين.

اسلام به عنوان دینی جامع، افزون بر تنظیم امور عبادی، اصول و ضوابط روشنی برای روابط اجتماعی و اقتصادی ارائه کرده است. یکی از مهم‌ترین مباحث فقه اقتصادی، حکم تجارت با غیرمسلمانان است که با گسترش روابط اقتصادی و بازرگانی میان کشورها، اهمیت بیشتری یافته است. سیره پیامبر اکرم ﷺ و صحابه نشان می‌دهد که اصل تعامل تجاری با غیرمسلمانان پذیرفته شده، اما این تعامل همواره در چارچوب ضوابط شرعی، حفظ مصالح مسلمانان و جلوگیری از تقویت دشمنان اسلام صورت گرفته است. (رد شبهات ملحدین، ص ۷)

بیان مسئله: با توسعه اقتصاد جهانی، مسلمانان ناگزیر از برقراری روابط اقتصادی با غیرمسلمانان هستند. از این رو، تبیین حکم فقهی تجارت با کفار، شرایط مشروعیت، حدود و موانع آن، از مسائل مهم فقه معاصر به شمار می‌رود. این پژوهش می‌کوشد با بررسی ادله شرعی و آرای فقها، چارچوبی منسجم برای تبیین احکام تجارت با غیرمسلمانان متناسب با نیازهای عصر حاضر ارائه کند. (عقل، ۱۴۳۱هـ ص ۸)

اهمیت و ضرورت تحقیق: اهمیت این موضوع از آن جهت است که تعاملات اقتصادی، افزون بر آثار مالی، در حفظ استقلال، امنیت و منافع جوامع اسلامی نقش اساسی دارد. همچنین، اختلاف دیدگاه‌های فقهی و پیدایش مسائل نوین اقتصادی، ضرورت بازخوانی این مسئله را دوچندان ساخته است.

پیشینه تحقیق: موضوع تجارت با کفار از نخستین سده‌های فقه اسلامی در مباحث معاملات، جهاد و احکام اهل ذمه مورد توجه فقها بوده است. فقهایی مانند امام محمد شیبانی رحمه‌الله در آثار خود، به‌ویژه «السیر الکبیر»، اصل تجارت و معامله با کفار را جایز می‌داند، مشروط بر آن‌که این معاملات به تقویت نظامی یا اقتصادی دشمنان اسلام منجر نشود (شیبانی، ۱۹۹۷، ج ۲، ص ۱۵۴). وی میان روابط تجاری در حالت صلح و جنگ تفاوت قائل شده و فروش کالاهایی را که در جنگ علیه مسلمانان مورد استفاده قرار می‌گیرد، ممنوع می‌شمارد (همان، ج ۲، ص ۱۶۰).

سرخسی رحمه الله در «المبسوط» دیدگاه امام محمد شیبانی را تبیین و توسعه داده است. وی معتقد است که اصل معامله با غیرمسلمانان مباح است؛ زیرا معاملات از امور دنیوی بوده و شریعت آن را تا زمانی که متضمن حرام یا زیان به مسلمانان نباشد، مجاز دانسته است (سرخسی، ۱۴۱۴، ج ۱۰، ص ۹۶). با این حال، سرخسی هرگونه تجارتی را که موجب تقویت قدرت نظامی دشمن یا آسیب به مصالح عمومی مسلمانان شود، ممنوع می‌داند (همان، ج ۱۰، ص ۱۰۲).

کاسانی رحمه الله در «بدائع الصنائع» نیز اصل جواز تجارت با کفار را پذیرفته و بیان می‌کند که اختلاف دین، به‌تنهایی مانع صحت معاملات نیست (کاسانی، ۱۹۸۶، ج ۷، ص ۱۳۰). وی تصریح می‌کند که هرگاه معامله سبب تقویت دشمنان اسلام یا کمک به اقدامات خصمانه آنان شود، چنین تجارتی جایز نخواهد بود؛ ازاین‌رو، وی میان معاملات عادی و معاملاتی که آثار امنیتی و نظامی دارند، تفکیک قائل است (همان، ج ۷، ص ۱۳۵).

با وجود پیشینه ارزشمند این مباحث، بیشتر پژوهش‌های پیشین به‌صورت پراکنده و در ضمن ابواب دیگر فقهی مطرح شده و کمتر پژوهشی به‌طور مستقل و با رویکردی تحلیلی، ضوابط تجارت با کفار را در پرتو تحولات اقتصادی معاصر بررسی کرده است ازاین‌رو، انجام پژوهشی مستقل در این زمینه ضروری به نظر می‌رسد.

اسباب انتخاب موضوع: انتخاب این موضوع ناشی از نقش تعیین‌کننده روابط اقتصادی در مناسبات سیاسی، فرهنگی و اجتماعی جهان معاصر و ضرورت تبیین دیدگاه فقه اسلامی درباره این تعاملات است. این پژوهش درصدد است مشروعیت، شرایط و محدودیت‌های تجارت با انواع غیرمسلمانان را بررسی کرده، حکمت‌های احکام مربوط را تبیین کند و زمینه فهمی متعادل از تعاملات اقتصادی با غیرمسلمانان را فراهم سازد.

سوالات تحقیق: پژوهش حاضر با این پرسش اصلی آغاز می‌شود که تجارت با کفار از دیدگاه فقه اسلامی چه حکمی دارد؟ همچنین، شرایط مشروعیت، موانع شرعی و نمونه‌های تاریخی این تعاملات در عصر نبوی از پرسش‌های فرعی تحقیق به شمار می‌رود.

روش تحقیق: این تحقیق از نظر هدف، بنیادی و از حیث روش، توصیفی - تحلیلی است. داده‌های پژوهش به شیوه کتابخانه‌ای و با مراجعه به قرآن کریم، سنت نبوی، منابع معتبر فقهی

و پژوهش‌های علمی گردآوری شده است. سپس با تحلیل ادله فقهی و قواعد حاکم بر معاملات، حدود و ضوابط تجارت با غیرمسلمانان متناسب با شرایط معاصر تبیین شده است.

مفاهیم تحقیق

تعریف کفار: کفار جمع کافر است؛ و مصدر آن کفر است که در لغت عرب به معنای پوشانیدن یا پنهان کردن است به‌طور مثال گفته می‌شود: «كَفَرَّ النَّعْمَةُ» یعنی نعمت را پوشاند و انکار کرد همچنین کفر ضد ایمان است (رازی، ۱۴۲۰، ج ۱، ص ۲۷۱).

کفر در اصطلاح عبارت از انکار چیزی است که به‌طور قطعی و ضروری از دین محمد ﷺ دانسته می‌شود؛ مانند: انکار وجود خداوند متعال، انکار نبوت پیامبر ﷺ و انکار حرمت زنا یا دیگر احکام قطعی شریعت (کویتیه، ۱۴۰۴، ج ۳۵، ص ۱۴).

اقسام کفار: از نظر اسلام کفار به دو بخش تقسیم می‌گردد: مسالمن و محاربین، تجارت با این دو گروه از کفار در پرتو فقه اسلامی به گونه مختصر بیان خواهد شد.

۱- کفار مسالمن: مراد از کفار مسالمن آن کفاری است که با مسلمانان پیمان صلح دارند که به سه بخش ذیل تقسیم می‌شود:

أ- ذمی‌ها: عبارت از کفاری هستند که تابعیت کشور اسلامی را داشته، به قوانین اسلام احترام و به دولت اسلامی جزیه می‌پردازند، مانند: اهل هند در افغانستان، مسیحی‌ها در پاکستان، قبطی‌ها در مصر، یهودی‌ها در فلسطین و یزیدی‌ها در عراق (شهیدی، ۱۴۰۲، ص ۱۸۲).

ب- مستأمنین: عبارت از کفاری هستند که به اجازه دولت اسلامی جهت انجام یک کار مشخصی به‌طور مؤقت داخل کشور اسلامی می‌شوند، پس از انجام آن کار، دوباره به وطن‌شان برمی‌گردند که البته مدت اقامت‌شان در کشور اسلامی بیشتر از یک سال نگردد (کویتیه، ۱۴۲۷، ج ۳۷، ص ۱۶۸).

ت- معاهدین: عبارت از کسانی هستند که تابعیت کشور غیر اسلامی را داشته‌اند که با مسلمانان پیمان و توافق صلح دارند تا از جنگ خودداری کنند (سعدی، ۱۴۰۸، ج ۱، ص ۲۶۴).

روابط مسلمانان با این سه نوع کفار روابط حسنه بوده، نفس، ناموس و مال آن‌ها در کشور اسلامی مصئون می‌باشد، تجاوز به آنان در حقیقت تعهد شکنی و گناه بزرگ شمرده می‌شود، طوری که الله عزوجل می‌فرماید: ﴿وَإِنْ أَحَدٌ مِنَ الْمُشْرِكِينَ اسْتَجَارَكَ فَأَجِرْهُ حَتَّى يَسْمَعَ كَلَامَ

اللَّهِ ثُمَّ أَلْبِغُهُ مَأْمَنَهُ ذَلِكَ بِأَنَّهُمْ قَوْمٌ لَا يَعْلَمُونَ» (توبه، ۶) ترجمه: اگر یکی از مشرکان از تو پناهندگی طلبید، او را پناه بده تا کلام خدا را بشنود پس از آن او را به محل امن خودش برسان. این بدان خاطر است که مشرکان مردمان نادان هستند.

۲- کفار محاربین: کفار محاربین عبارت از کفاری هستند که با مسلمانان جنگ دارند، بر مسلمانان ظلم و ستم کرده و آنان را مجبور به ترک خانه و دیارشان می‌کنند (شهیدی، ۱۴۰۲، ص ۱۸۲).

تجارت و معامله با این نوع کفار جواز نداشته مگر به امر و اجازه امیر و حاکم مسلمانان و یا در شرایط محدود و معین که تقویه کفار بر مسلمانان نباشد و مصلحت عمومی مسلمانان و دین شان در آن نهفته باشد چون که روابط مسلمانان با این نوع کفار، رابطه جنگ و جهاد بوده؛ زیرا الله عزوجل مسلمانان را به جهاد در مقابل کفار متجاوز امر کرده و جهاد را فرض گردانیده است، طوری که می‌فرماید: ﴿وَقَاتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ الَّذِينَ يُقَاتِلُونَكُمْ وَلَا تَعْتَدُوا إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ الْمُعْتَدِينَ﴾ (بقره، ۱۹۱) ترجمه: و در راه خدا بجنگید با کسانی که با شما می‌جنگند و تجاوز و تعدی نکنید. زیرا خداوند تجاوزگران را دوست نمی‌دارد.

تعریف تجارت

معنی لغوی تجارت: کلمه تجارت در لغت عرب از ریشه «تَجَرَ - يَتَجَرُ» گرفته شده که به معنای مبادله کالا یا مال برای کسب سود است (مرسی، ۱۴۱۷، ج ۳، ص ۴۳۸). راغب اصفهانی در مفردات می‌گوید: «التجارة: التصرف في رأس المال طلباً للربح» (اصفهانی، ۱۴۱۲، ج ۱، ص ۱۶۴). ترجمه: تجارت عبارت است از عمل سرمایه‌گذاری به منظور به دست آوردن سود.

معنی اصطلاحی تجارت: «التجارة: عبارة عن شراء شيء لبيع بالربح» (جرجانی، ۱۴۰۳، ص ۵۳). تجارت در اصطلاح عبارت است از: «عمل خرید چیزی به قصد فروش آن با سود است».

مشروعیت تجارت با کفار

موضوع مشروعیت تجارت با کفار در فقه اسلامی از مباحث و مسائل مهم روابط اقتصادی بین‌المللی است. که به صورت کلی، اصل بر جواز تجارت است، مگر در موارد خاصی که شریعت اسلام آن را منع کرده باشد، دلایل مشروعیت تجارت با کفار قرار ذیل است:

دلیل از قرآن کریم: الله متعال می‌فرماید: ﴿وَأَحَلَّ اللَّهُ الْبَيْعَ وَحَرَّمَ الرِّبَا﴾ (بقره، ۲۷۵) ترجمه: و حال آنکه خداوند خرید و فروش را حلال کرده است و ربا را حرام نموده است.

وجه استدلال: این است که آیه مبارکه حلال بودن بیع و حرام بودن ربا را بیان نموده است و این یک دستور عام است که در میان بیع مسلمان برای مسلمان و بیع مسلمان برای کافر هیچ تفاوت قائل نشده است. همچنین الله متعال بجای دیگری خاص در مورد معامله با کفار می‌فرماید: ﴿لَا يَنْهَاكُمُ اللَّهُ عَنِ الَّذِينَ لَمْ يُقَاتِلُوكُمْ فِي الدِّينِ وَلَمْ يُخْرِجُوكُمْ مِّنْ دِيَارِكُمْ أَن تَبَرُّوهُمْ وَتُقْسِطُوا إِلَيْهِمْ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُقْسِطِينَ﴾ (ممتحنه، ۸). ترجمه: خداوند شمارا باز نمی‌دارد از این که نیکی و بخشش بکنید به کسانی که به سبب دین با شما نجنگیده‌اند و از شهر و دیارتان شمارا بیرون نرانده‌اند. خداوند نیکوکاران را دوست می‌دارد.

وجه استدلال: در این آیه جواز نیکی و دادوستد با کفار غیر حربی را بیان می‌کند.

دلیل از حدیث: پیامبر صلی‌الله‌علیه‌و سلم با یهودیان مدینه و اهل نجران در تجارت و دادوستد شرکت می‌کردند «عن عائشه، رضی الله عنها، قالت: توفي رسول الله صلى الله عليه وسلم و درعه مرهونه عند يهودي في ثلاثين صاعا من شعير» (بخاری، ۱۴۲۲، ج ۴، ص ۴۱). ترجمه: از عایشه - رضی الله عنها - روایت شده است که فرمود: پیامبر صلی‌الله‌علیه‌و سلم در حالی رحلت فرمودند که زره جنگی او نزد مردی یهودی، در برابر سی صاع جو، در گرو بود.

وجه استدلال: این است که تجارت با اهل کتاب و مشرکین و از کسانی که خوف مکر و فریب و یا خیانت برای اسلام و مسلمانان متحقق نباشد جایز است البته مشروط بر این که کفار حربی نباشد.

دلیل اجماع: مسلمانان اتفاق نظر دارند بر جواز معامله با اهل ذمه و دیگر کفار، مادامی که ارتکاب امر حرامی در میان نباشد. اما جایز نیست برای مسلمان که به اهل حرب یعنی کفار جنگجو سلاح یا ابزار جنگی بفروشد و نه آنکه به آن‌ها در برپاداشتن دین‌شان یاری رساند و نه فروش قرآن به آن‌ها و نه فروش برده مسلمان به کافر، به‌طور مطلق (نووی، ۱۳۹۲، ج ۱۱، ص ۴۰).

ضوابط و شروط فقهی تجارت با کفار

۱- عدم تقویت دشمنی با اسلام: این اصل در فقه اسلامی به عنوان یکی از قیود مهم در روابط با کفار شناخته شده و هدف آن جلوگیری از تقویت دشمنان اسلام در زمینه های است که ممکن است به ضرر مسلمانان یا دین اسلام نوبت نام. چنانچه ابن بطال رحمه الله فرمود: «معامله الکفار جائزة إلا بیع ما یستعین به أهل الحرب علی المسلمین» (عسقلانی، ۱۳۹۷ ج ۴، ص ۴۱۰). تجارت با کفار مشروع است به جز از اشیای که اهل حرب بر مسلمان ها تقویت شود.

۲- مشروع بودن مال مورد معامله: یکی دیگر از شرایط اساسی معاملات در فقه اسلامی است یعنی مالی در معامله خرید و فروش قرار می گیرد باید از نظر شرع جایز و حلال باشد، اگر مال، حرام یا نجس العین باشد مانند شراب، خوک، خون، بت و قمار یا استفاده از آن ممنوع باشد معامله آن نیز باطل شمرده می شود. چنانچه پیامبر صلی الله علیه و سلم فرمودند: «إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى إِذَا حَرَّمَ شَيْئًا حَرَّمَ حَرَمَ ثَمَنِهِ» (دارقطنی، ۱۴۲۴، ج ۳، ص ۳۸۸). ترجمه: هرگاه خداوند چیزی را حرام کند، بهای آن را نیز حرام می داند.

۳- حفظ عزت مسلمانان: در تجارت با کفار، حفظ عزت مسلمان یک قید مهم شرعی است که نباید در روابط اقتصادی، اجتماعی یا سیاسی خود با کفار، به گونه ای رفتار کند که موجب تحقیر، ذلت، وابستگی با کفار، تضعیف موقعیت اسلام و مسلمانان، تمکین و یا تسلیم در برابر خواسته های نامشروع دشمنان دین باشد. چنانچه الله متعال می فرماید: «وَلِلَّهِ الْعِزَّةُ وَلِرَسُولِهِ وَلِلْمُؤْمِنِينَ» (منافقون، ۸) ترجمه: عزت و قدرت از آن خدا و فرستاده او و مؤمنان است.

۴- عدم تأثیر منفی فرهنگی و عقیدتی: تجارت با کفار باید به گونه ای مدیریت شود که از نفوذ فرهنگی و عقیدتی آن ها جلوگیری شود و هویت دینی و فرهنگی جامعه اسلامی محفوظ بماند. چنانچه الله متعال می فرماید: «وَلَنْ تَرْضَى عَنْكَ الْيَهُودُ وَلَا النَّصَارَى حَتَّى تَبِيعَ مِلَّتَهُمْ» (بقره، ۱۲۰). ترجمه: یهودیان و مسیحیان هرگز از تو خوشنود نخواهند شد، مگر این که از آئین ایشان پیروی کنی.

وجه استدلال: این آیه مبارکه نشان می دهد که پذیرش فرهنگ و آئین آنان خطری جدی برای عقیده مسلمان است.

نمونه‌های از تجارت پیامبر ﷺ و صحابه کرام رضی الله عنهم

۱- خرید و فروش و سایر قراردادهای مالی با کفار جایز است. همان احکام و مقرراتی که در مورد معاملات با مسلمانان اعمال می‌شود، در مورد آن‌ها نیز صادق است. ابن حجر رحمه الله فرمود: «و ما زال المشركون يقدمون المدينة ويعاملون المسلمين بالبيع وغيره» (عسقلانی، ۱۳۹۷، ج ۱۰، ص ۳۰۱).

مشرکین همیشه به مدینه تشریف می‌آوردند و با مسلمانان با تجارت تعامل داشتند و در جواز تجارت مسلمانان همراه کفار احادیثی زیاد از پیامبر صلی الله علیه و سلم نقل شده که قرار ذیل است:

«عَنْ أَنَسِ بْنِ مَالِكٍ، قَالَ: بَعَثَنِي رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ إِلَى حَلِيقِ النَّصْرَانِيِّ لِيَبْعَثَ إِلَيْهِ بِأَثْوَابٍ إِلَى الْمَيْسِرَةِ، فَأَتَيْتُهُ، فَقُلْتُ: بَعَثَنِي إِلَيْكَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ لِيَبْعَثَ إِلَيْهِ بِأَثْوَابٍ إِلَى الْمَيْسِرَةِ، فَقَالَ: وَمَا الْمَيْسِرَةُ؟ وَمَتَى الْمَيْسِرَةُ؟ وَاللَّهِ مَا لِمُحَمَّدٍ ثَاغِيَةٌ وَلَا رَاغِيَةٌ، فَرَجَعْتُ فَأَتَيْتُ النَّبِيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فَلَمَّا رَأَانِي قَالَ: «كَذَبَ عَدُوُّ اللَّهِ، أَنَا خَيْرٌ مِنْ بَايَعٍ، لَأَنْ يَلْبَسَ أَحَدُكُمْ ثَوْبًا مِنْ رِقَاعٍ شَتَّى، خَيْرٌ لَهُ مِنْ أَنْ يَأْخُذَ بِأَمَانَتِهِ - أَوْ فِي أَمَانَتِهِ - مَا لَيْسَ عِنْدَهُ» (شيباني، ۱۴۲۱، ج ۲۱، ص ۱۸۰).

ترجمه: از انس بن مالک رضی الله عنه روایت است که گفت: پیامبر ﷺ مرا نزد حلیق نصرانی فرستاد تا از او بخواهم لباس‌هایی را به صورت نسیه و با مهلت پرداخت برای آن حضرت بفرستد. نزد او رفتم و گفتم: «پیامبر ﷺ مرا نزد تو فرستاده است تا لباس‌هایی را با مهلت پرداخت برای ایشان بفرستی». او گفت: «مهلت پرداخت یعنی چه؟ و این مهلت چه زمانی است؟ به خدا سوگند، محمد نه گوسفندی دارد و نه شتری». من بازگشتم و نزد پیامبر ﷺ آمدم. هنگامی که مرا دید، فرمود: «دشمن خدا دروغ گفت. من از همه مردم به عهد و معامله وفادارترم. اگر یکی از شما لباسی وصله دار و از تکه‌های گوناگون بر تن کند، برای او بهتر است از اینکه به سبب امانت و خوش اعتباری خود چیزی را که توان پرداخت آن را ندارد، بر عهده بگیرد».

«عن خارجه بن زيد، قال: رأيت رجلا سأل أبي عن الرجل يغزو فيشتري ويبيع، ويتجر في غزوه، فقال له أبي: كنا مع رسول الله ﷺ بتبوك نشترى ونبيع، وهو يرانا ولا ينهانا» (قزوینی، ۱۴۳۰، ج ۴، ص ۹۶).

از خارجه پسر زید روایت است: که مردی را دیدم که از پدرم در مورد شخصی که در جهاد خرید و فروش می‌کرد سوال کرد. پدرم برایش گفت: ما همراه رسول الله ﷺ در غزه تبوک بودیم

خرید و فروش می‌کردیم در حالی که رسول الله ﷺ مایان را می‌دید و منع نمی‌کرد. احادیث فوق در جایز بودن تجارت با کفار دلالت می‌کند مگر اینکه شیء حرام بوده باشد که در این صورت خرید و فروش همراه کفار نیز جایز نیست.

۲- برای یک مسلمان جایز است که با یک ذمی، معاهد، مستأمن و یا یک محارب مشارکت کند، مشروط بر اینکه مسلمان مطمئن باشد که تجارت و شراکت مطابق با اصول و ضوابط شریعت اسلامی در مورد معاملات غیرمجاز انجام نخواهد شد. علاوه بر این، مسلمان نباید به شریک غیرمسلمان خود اجازه دهد که بدون نظارت، کنترل مطلق بر دارایی‌های شرکت، داشته باشد تا معاملات مشروع تضمین و از معاملات نامشروع جلوگیری شود (عثمانی، ۱۴۳۶، ج ۱، ص ۱۶۷). چنانچه الله متعال می‌فرماید: ﴿وَإِنَّ كَثِيرًا مِّنَ الْخُلَطَاءِ لَيَبْغِي بَعْضُهُمْ عَلَى بَعْضٍ إِلَّا الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ وَقَلِيلٌ مَّا هُمْ﴾ [ص: ۲۴] ترجمه: اصلاً بسیاری از آمیزگاران و کسانی که با یکدیگر سروکار دارند، نسبت به همدیگر ستم روا می‌دارند، مگر آنان که واقعاً مؤمن‌اند و کارهای شایسته می‌کنند، ولی چنین کسانی هم بسیار کم و اندک هستند.

۳- انجام تجارت‌های حرام با مسلمانان مانند ربا و قمار یا مواد حرام مانند مواد مخدر، مشروبات الکلی، مردار و خنزیر چه غیرمسلمان ذمی، معاهد، مستأمن، یا که محارب باشند جایز نیست. علت این حکم آن است که غیرمسلمان از معاملات حرام و باطلی که مسلمان از آن‌ها پرهیز می‌کند، اجتناب نمی‌ورزند. از این‌رو، برای جلوگیری از انجام معاملات حرام و حفظ مشروعیت فعالیت‌های تجاری، لازم است اداره و تصمیم‌گیری در امور تجارت به مسلمان واگذار شود. (جوزی، ۱۴۲۳، ج ۶، ص ۹۶).

عن جابر، قال: «لعن رسول الله صلى الله عليه وسلم آكل الربا، ومؤكله، وكاتبه، وشاهديه» وقال: «هم سواء» (قشیری، بی تا، ج ۳، ص ۱۲۱۹). از جابر رضی الله روایت است که رسول خدا ﷺ کسی را که ربا می‌خورد و ربا می‌دهد و منشی و دو شاهد آن را لعنت کرده و فرمود: «همه‌شان برابرند». عن جابر بن عبد الله رضي الله عنهما، أنه: سمع رسول الله صلى الله عليه وسلم، يقول عام الفتح وهو بمكة: «إن الله ورسوله حرم بيع الخمر، والميتة والخنزير والأصنام»، فقليل: يا رسول الله، أرايت شحوم الميتة، فإنها يطلى بها السفن، ويدهن بها الجلود، ويستصبح بها الناس؟ فقال: «لا، هو حرام»، ثم قال رسول الله صلى الله عليه وسلم عند ذلك: «قاتل الله اليهود إن الله لما حرم شحومها جمלוه، ثم باعوه، فأكلوا ثمنه» (بخاری، ۱۴۲۲، ج ۳، ص ۸۴) ترجمه: جابر بن عبدالله

رضی الله می‌گوید: از رسول الله ﷺ شنیدم که در سال فتح مکه فرمود: «خدا و رسولش، خریدوفروش شراب، بت، مردار و خوک را حرام کرده‌اند» مردم پرسیدند: ای رسول خدا! پی و چربی حیوانِ مرده، حلال است؟ مردم برای چرب کردن چوب کشتی‌ها، پوست‌ها و برای روشنایی چراغ، از آن‌ها استفاده می‌کنند. آن حضرت فرمود: «خیر، حرام است» و افزود: «خداوند، یهود را نابود کند. زیرا وقتی که چربی برای آنان، حرام شد، آن را ذوب کردند و فروختند و از قیمت آن، استفاده کردند». چراکه تجارت در معاملات حرام و مواد حرام نوعی فساد در زمین است ﴿وَاللَّهُ لَا يُحِبُّ الْفُسَادَ﴾ (بقره، ۲۰۵) و خداوند متعال فساد را دوست ندارد.

۴- قرض دادن به کافر و قرض گرفتن از آن‌ها جایز است چون اصل در معاملات با غیرمسلمانان اباحت است مگر اینکه دلیلی بر حرمت آن باشد چنانچه ثابت شده است که مسلمانان در زمان پیامبر ﷺ از یهودیان قرض می‌گرفتند و پیامبر ﷺ این کار را تأیید کردند. «عن جابر بن عبد الله رضي الله عنهما، أنه أخبره: أن أباه توفي وترك عليه ثلاثين وسقا لرجل من اليهود، فاستنظره جابر، فأبى أن ينظره، فكلّم جابر رسول الله صلى الله عليه وسلم ليشفع له إليه، فجاء رسول الله صلى الله عليه وسلم وكلّم اليهودي ليأخذ ثمر نخله بالذي له، فأبى، فدخل رسول الله صلى الله عليه وسلم النخل، فمشى فيها، ثم قال لجابر: «جد له، فأوف له الذي له» فجده بعدما رجع رسول الله صلى الله عليه وسلم، فأوفاه ثلاثين وسقا، وفضلت له سبعة عشر وسقا، فجاء جابر رسول الله صلى الله عليه وسلم ليخبره بالذي كان، فوجده يصلي العصر، فلما انصرف أخبره بالفضل، فقال: «أخبر ذلك ابن الخطاب»، فذهب جابر إلى عمر فأخبره، فقال له عمر: لقد علمت حين مشى فيها رسول الله صلى الله عليه وسلم عليه وسلم ليباركن فيها» (بخاری، ۱۴۲۲، ج ۳، ص ۱۱۷). از جابر بن عبدالله رضی الله عنهما روایت شده که گفت: پدرم عبدالله درگذشت درحالی که بدهکار بود و بر عهده‌اش سی وسق خرما برای یک مرد یهودی بود. جابر از یهودی درخواست مهلت کرد، اما او نپذیرفت. پس جابر نزد رسول خدا ﷺ آمد تا برای او شفاعت کند. رسول الله ﷺ نزد آن یهودی آمد و با او سخن گفت که خرماي نخل‌ها را بابت بدهی بگیرد، ولی یهودی قبول نکرد، پیامبر ﷺ داخل باغ خرما شد، در میان نخل‌ها قدم زد و سپس به جابر فرمود: «خرماها را بچین و بدهی‌اش را پرداخت کن.» جابر پس از رفتن پیامبر ﷺ خرماها را چید و سی وسق به یهودی پرداخت کرد، ولی هفده وسق هم اضافه آمد! او نزد پیامبر ﷺ رفت تا این موضوع را گزارش

دهد، ولی پیامبر ﷺ در نماز عصر بود. پس از نماز، وقتی جابر ماجرا را گفت، پیامبر ﷺ فرمود: «این را به عمر بن خطاب نیز بگو.» جابر نزد عمر رفت و او گفت: «وقتی دیدم پیامبر ﷺ در آن نخلستان قدم زد، دانستم که خداوند در آن برکت خواهد داد.» این حدیث نشان‌دهنده تعامل پیامبر ﷺ در امور مالی از جمله قرض است.

مسلمان می‌تواند ابزار، کتاب و سایر مایحتاج خود را از کفار قرض بگیرد و همچنین می‌تواند اقلامی را به آن‌ها قرض دهد، مشروط بر اینکه کافر جنگجو نباشد. این یک عمل نیک است و انجام آن برای ما جایز است. باین‌حال، شرط است که کالای قرض گرفته‌شده چیزی باشد که کفار استفاده از آن را مجاز بدانند، مانند ماشین یا کامپیوتر، در غیر این صورت، قرض دادن آن جایز نیست، مانند نسخه‌ای از قرآن یا برده مسلمان که خوف اهانت، توهین و تحقیر در آن‌ها بوده باشد (عثمانی، ۱۴۳۶، ج ۱، ص ۱۷۲).

باین‌حال، قرض دادن به کفار باید دارای شرایط زیر باشد:

- باید قرض بدون بهره و سود باشد.

- قرض دادن به آن‌ها نباید به مسلمانان ضرر برساند، مانند قرض دادن به کسانی که با مسلمانان در حال جنگ هستند.

- مسلمانان باید اعتقاد قوی داشته باشند که اگر وام‌دهنده هستند، پولشان به آن‌ها بازگردانده می‌شود.

- قرض دادن برای نیکی، یا رفع نیازها باشد، نیت خیر، ایجاد روابط انسانی و تبلیغ غیرمستقیم اسلام را در برداشته باشد (ماجد، بی‌تا، ص ۲۱).

۵- برای مسلمان جایز است که یک کافر را به‌عنوان وکیل خود برای اداره امور خود تعیین کند و کافر از طرف او عمل کند، اما این منوط به شرایط زیر است:

- وکیل قرار دادن یک کافر نباید به او قدرتی بر یک مسلمان بدهد، مانند اینکه او را برای طلاق دادن همسر مسلمان خودش، مراقبت از فرزندان صغیرش، اداره موقوفه یا اجرای بدهی منصوب کند. وصیت یا تقسیم ارث او بین ورثه‌اش یا تعیین او به‌عنوان قاضی برای مسلمانان جایز نیست، زیرا خداوند متعال می‌فرماید: «وَلَنْ يَجْعَلَ اللَّهُ لِلْكَافِرِينَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ سَبِيلًا» (نساء، ۱۴۱) ترجمه: هرگز خداوند کافران را بر مؤمنان چیره نخواهد ساخت.

- نباید او را برای انجام اعمال عبادی که برای مسلمان جایز است در آن‌ها نماینده تعیین کند، مانند تعیین او برای ذبح قربانی‌اش یا اذان گفتن از طرف او یا امامت نماز یا ایراد خطبه، منصوب کند. زیرا این اعمال از غیرمسلمان صحیح نیست، زیرا؛ خداوند متعال می‌فرماید: ﴿وَمَا مَنَعَهُمْ أَنْ تُقْبَلَ مِنْهُمْ نَفَقَاتُهُمْ إِلَّا أَنَّهُمْ كَفَرُوا بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ﴾ (توبه، ۵۴) ترجمه: هیچ چیز مانع پذیرش نفقات و بذل و بخشش‌های‌شان نشده است جز این‌که آنان به خدا و پیغمبرش ایمان ندارند.

- مسلمان نباید کافر را برای انجام کاری که انجام آن طبق شریعت اسلام برای مسلمان جایز نیست، مأمور کند و همچنین نباید انعقاد قرارداد ربوی برای او، یا کاری که برای مسلمان ممنوع است و او به کافر اجازه انجام آن را می‌دهد، مانند خرید مشروبات الکلی برای او، یا کاری که برای مسلمان جایز است اما برای کفار جایز نیست، مانند وکیل کردن او بر ازدواج با زن مسلمان یا خرید برده مسلمان که احتمال توهین و تحقیر آن بوده باشد (طریقی، ۱۴۲۸، صص ۲۴۷-۲۵۱).

۶- مسلمان می‌تواند از کفار امانت بپذیرد و چیزی را به آن‌ها امانت بسپارد. اما در امانت گذاشتن، علاوه بر اینکه آن‌ها غیر جنگجو باشند، شرط است که امین باشند، به‌طوری‌که مسلمان ایمان قوی داشته باشد که آن‌ها با رد امانت یا تأخیر در بازگرداندن آن، به امانت خیانت نمی‌کنند (ماجد همان اثر، ص ۲۲).

۷- مسلمان می‌تواند از کافر هدیه بپذیرد و هدیه بدهد، همان‌طور که پیامبر صلی‌الله‌علیه‌و سلم هدیه‌ای کسری، هدیه‌ای قیصر و هدیه‌ای از مقوقس حاکم مصر که شامل ماریه قبطیه نیز می‌شد، پذیرفت (سابق، ۱۳۹۷، ج ۳، ص ۵۳۷).

همچنین امام بخاری رحمه‌الله حدیث را تحت باب قبول هدیه از مشرکین آورده است: «جاء رجل مشرك، مشعان طویل، بغنم يسوقها، فقال النبي صلى الله عليه وسلم: «بيعا أم عطية، أو قال: أم هبة؟» قال: لا بل بيع، فاشترى منه شاة» (بخاری، ۱۴۲۲، ج ۳، ص ۱۶۴) ترجمه: شخص از کفار که موهای ژولیده و قامتی بلند داشت با گله‌ای گوسفند، نزد ما آمد. رسول‌الله از او پرسید: «آیا این گوسفندان برای فروش است یا برای هدیه؟» گفت: خیر. برای فروش است. رسول‌الله یک گوسفند از او خرید. همچنین عمر رضی‌الله‌عنه لباس ابریشمی را که پیامبر ﷺ به او داده بود،

به برادر مشرک خود بخشید.

۸- اموال کفار که جنگجو نیستند و اسلام عزیز استفاده از آن‌ها را مجاز نمی‌داند، مصون است و نمی‌توان آن‌ها را نابود کرد، حتی اگر شامل چیزهایی باشد که مسلمانان اجازه تصرف در آن‌ها را ندارند، مانند الکل. باین حال اموال جنگجویان در صورتی که در جهت خیر و صلاح مسلمانان باشد، می‌تواند توسط مسلمانان نابود شود، همان‌طور که خداوند به پیامبرش و یارانش اجازه داد تا نخل‌های خرمایی یهودیان بنی نضیر را در جنگ خیبر قطع کنند. (شیبانی، بی‌تا، ج ۱، ص ۵۲) زیرا خداوند متعال می‌فرماید: ﴿مَا قَطَعْتُمْ مِّن لِّينَةٍ أَوْ تَرَكْتُمُوهَا قَائِمَةً عَلَىٰ أُصُولِهَا فَبِإِذْنِ اللَّهِ وَلِيْخِزِيْ الْفَاسِقِيْنَ﴾ (حشر، ۵) ترجمه: هر درخت خرمایی را که بریدید، یا بر پایه‌ها و ریشه‌های خود برجای گذاشتید، به فرمان خدا و اجازه او بوده است تا بیرون روندگان را خوار و رسوا گرداند.

۹- راست‌گوی و گفتن واقعیت در تمام معاملات بین مردم خواه مسلمان باشد یا کافر واجب است چنانچه حکیم بن حزام رضی‌الله‌عنه روایت می‌کند که رسول‌الله ﷺ فرمود: قال: «البيعان بالخيار ما لم يتفرقا، فإن صدقا وبينا بورك لهما في بيعهما، وإن كذبا وكتما محقت بركة بيعهما» (بخاری، ۱۴۲۲، ج ۳، ص ۶۴). (طرفین معامله تا در مجلس معامله و از هم جدا نشده‌اند، حق پشیمانی و فسخ آن را دارند، اگر در معامله صادق باشند و عیب‌های آن را بیان کنند، الله متعال در معامله‌ی شان خیر و برکت قرار می‌دهد، اما اگر عیب مورد معامله را کتمان کنند و در معامله دروغ بگویند، الله اُ برکت را از معامله آنان می‌گیرد).

۱۰- عدالت در معامله: عدالت در لغت از عَدَلَ يَعْدِلُ گرفته شده است و آن دربرگیرنده دو معنای متضاد برابری و نابرابری می‌باشد و در اینجا معنای اول مراد است پس معنای عَدَلَ خلاف ظلم است (رازی، ۱۳۹۹، ج ۴، ص ۲۴۶).

در اصطلاح: ادا کردن حق را به صاحب آن بدون زیادت و کمی عدالت گویند؛ چون زیادت فضل است و نقصان ظلم، به عبارت دیگر عدالت عبارت از استقامت بر راه حق و اجتناب از محظورات دینی می‌باشد (جرجانی، ۱۴۰۳، ص ۱۴۷).

عدالت در معامله آن است که حقوق مردم را چه مسلمان باشد و چه غیرمسلمان مکمل ادا نماید و از جمله آنانی که از مردم زیاد گرفته و برایشان کم می‌دهند نباشد، چون خداوند متعال

برای این گونه مردم وعید داده می‌فرماید: ﴿وَيْلٌ لِّلْمُطَفِّفِينَ ۝ الَّذِينَ إِذَا أَكْتَالُوا عَلَى النَّاسِ يَسْتَوْفُونَ ۝ وَإِذَا كَالُوهُمْ أَوْ وَزَنُوهُمْ يُخْسِرُونَ ۝ أَلَا يَظُنُّ أُولَٰئِكَ أَنَّهُمْ مَبْعُوثُونَ ۝ لِيَوْمٍ عَظِيمٍ ۝ يَوْمَ يَقُومُ النَّاسُ لِرَبِّ الْعَالَمِينَ ۝﴾ (المطففين، ۱-۶). ترجمه: وای به حال کاهندگان کسانی که وقتی برای خود می‌پیمایند به تمام و کمال و افزون بر اندازه لازم دریافت می‌دارند و هنگامی که برای دیگران می‌پیمایند یا وزن می‌کنند، از اندازه لازم می‌کاهند، آیا اینان گمان نمی‌برند که دوباره زنده می‌گردند در روز بسیار بزرگ و هولناکی همان روزی که مردمان در پیشگاه پروردگار جهانیان برپا می‌ایستند.

۱۱- وفا به عهد: وفا در لغت مصدر وفی یفی وفاء بوده به معنی اكمال عهد و اتمام شرط می‌باشد و ضد این کلمه غدر و خیانت است (رازی، ۱۳۹۹، ج ۶، ص ۱۲۹). اصطلاحاً وفا به این معنی است که انسان به عهد و وعده‌های خویش التزام نشان داده از بدعهدی، خلافکاری و بدقولی خودداری ورزد. یا عبارت از ملازمت، همدردی و محافظت از عهد شریک‌ها می‌باشد (جرجانی، ۱۴۰۳، ص ۲۷۴).

خداوند متعال به وفا به عهد، امر نموده می‌فرماید: ﴿وَأَوْفُوا بِالْعَهْدِ إِنَّ الْعَهْدَ كَانَ مَسْئُولًا﴾ (الاسراء، ۳۴) ترجمه: و به عهد و پیمان وفا کنید، چراکه از عهد و پیمان پرسیده می‌شود. اسلام به احترام عهد و پیمان و اجرای شروط متفقہ توصیه می‌کند، رسول‌الله صلی الله علیه و سلم می‌فرماید: «المسلمون عند شروطهم» (بخاری، 1422، ج ۳، ص ۹۰) ترجمه: مسلمان‌ها بر شرط‌های خویش پای‌بند هستند. از همین روی بود که پیامبر ﷺ در تمام پیمان‌هایی که با مخالفین خود می‌بست آن را کاملاً مرعی می‌داشت، مثلاً زمانی که در حدیبیه با سران مکه صلح نمود به تمام شروط صلح پایبند ماند تا آن‌که مشرکین خود خلاف‌ورزی کردند و آنگاه بود که به فتح مکه اقدام کردند.

۱۲- رهن با کافر: رهن در لغت به معنی حبس و نگه‌داشتن شیء است و فرقی نمی‌کند که این حبس و نگه‌داشتن به چه سبب و علتی باشد. اصطلاحاً رهن عبارت از مال و کالایی است که آن را به‌عنوان پشتوانه‌ای قرض قرار می‌دهند که بتوان در صورت لزوم، طلب را از آن وصول نمود (ابن عابدین، ۱۴۱۲، ج ۶، ص ۴۷۷).

در مدینه، پیامبر ﷺ با یهودیان و مسیحیان معامله داشت، دلایل و شواهد بر جواز رهن با

کفار دلالت دارد که واضح‌ترین و قوی‌ترین آن‌ها همان چیزی است که در سنت ثابت شده است: پیامبر صلی الله علیه و سلم درحالی که زره‌اش نزد یک یهودی گرو بود، درگذشت. از عایشه رضی الله عنها روایت شده است که گفت: «رسول خدا ﷺ درحالی که زره‌اش نزد یک یهودی به سی صاع جو گرو بود، درگذشت.» (بخاری، ۱۴۲۲، ج ۴، ص ۴۱). از ابو رافع رضی الله عنه روایت شده است که فرمود: «مهمان نزد رسول خدا ﷺ آمد، پس مرا فرستاد تا برایش غذا پیدا کنم. من نزد مردی یهودی رفتم و گفتم: محمد به تو می‌گوید: مهمان نزد ما آمده است و چیزی مناسب برای خود نزد ما نیافته است، پس به من بفروش یا او از من خواست که تا ماه رجب به او پول قرض بدهم. یهودی پاسخ داد: «نه، به خدا قسم، من نه به او پول قرض می‌دهم و نه چیزی جز گرو به او می‌فروشم.» پس نزد رسول خدا برگشتم و ماجرا را برایش تعریف کردم. ایشان فرمودند: «به خدا قسم، من در میان اهل آسمان امین و در میان اهل زمین امین هستم. اگر او به من پول قرض می‌داد یا چیزی به من می‌فروخت، به او پس می‌دادم. زره مرا بگیر.» (بزار، ج ۹، ص ۳۱۵) سپس این آیه برای تسلیت به خاطر ضرر دنیوی‌اش نازل شد: ﴿وَلَا تَمُدَّنَّ عَيْنَيْكَ إِلَىٰ مَا مَتَّعْنَا بِهِ أَزْوَاجًا مِنْهُمْ زَهْرَةَ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا لِنَفْتِنَهُمْ فِيهِ وَرِزْقُ رَبِّكَ خَيْرٌ وَأَبْقَىٰ﴾ (طه، ۱۳۱) ترجمه: چشم خود را مدوز به نعمت‌های مادی که به گروه‌های از کافران داده‌ایم. این نعمت‌های مادی که زینت زندگی دنیا است، بدیشان داده‌ایم تا آنان را بدان بیازمائیم. داده پروردگارت بهتر و پایدارتر است.

از نصوص فوق جواز گرو گرفتن و جواز گرو گذاشتن سلاح جنگی در میان اهل میثاق دانسته می‌شود و همچنین دلیل بر جواز گرو گرفتن در حالت حضر و سفر و دلیل بر جواز معامله با غیرمسلمان است.

حکمت‌های جواز تجارت با کفار

۱- تأمین نیازهای مسلمانان: یکی از حکمت‌های مشروعیت تجارت با کفار است در شرایطی که کالا یا خدمات موردنیاز در دست مسلمانان موجود نباشد، هدف حفظ منافع عمومی و تأمین ضروریات جامعه باشد چنانچه قاعده فقهی است. «الضرورات تبيح المحظورات» (زرقا، ۱۴۰۹، ص ۱۸۵). ترجمه: ضرورت‌ها اشیای ممنوعه را مباح می‌گرداند.

۲- رشد اقتصادی و بی‌نیازی از دشمنان: اسلام به‌عنوان دینی کامل، خواهان عزت، اقتدار و

خودکفایی اقتصادی امت اسلامی است. اگر تجارت با کفار موجب تقویت اقتصادی اسلامی و جلوگیری از سلطه اقتصادی دشمن شود، مجاز و حتی مطلوب است زیرا خداوند متعال می‌فرماید: ﴿وَلَنْ يَجْعَلَ اللَّهُ لِلْكَافِرِينَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ سَبِيلًا﴾ (نساء، ۱۴۱) ترجمه: هرگز خداوند کافران را بر مؤمنان چیره نخواهد ساخت.

۳- زمینه‌سازی برای دعوت به اسلام: تعامل نیکو، اخلاق پسندیده، صداقت در معاملات و رفتار کریمانه مسلمانان با کفار، می‌تواند دل‌های آنان را نرم کرده و بستر پذیرش پیام اسلام را فراهم سازد این شیوه بخشی از دعوت عملی به اسلام است که آثار آن در تاریخ صدر اسلام به‌وضوح دیده می‌شود. چنانچه حضرت پیامبر ﷺ با یهودیان، نصارا و مشرکان در امور تجاری، قرض‌گیری، امانت‌داری و عهدنامه‌ها رفتار نیکو داشتند بسیاری از کفار با دیدن صداقت و اخلاق ایشان به اسلام گرایش یافتند. گسترش اسلام در مناطق دوردست مانند: اندونیزیا، چین و آفریقا اغلب به‌واسطه رفتار نیک و تجارت سالم مسلمانان با مردم آن سرزمین‌ها بود. همچنین الله متعال می‌فرماید: ﴿ادْعُ إِلَى سَبِيلِ رَبِّكَ بِالْحُكْمَةِ وَالْمَوْعِظَةِ الْحَسَنَةِ﴾ (نحل، ۱۲۵) ترجمه: (ای پیغمبر!) مردمان را با سخنان استوار و بجا و اندرزهای نیکو و زیبا به راه پروردگارت فراخوان.

وجه استدلال: این است که تعاملات مثبت، خود نوعی موعظه و دعوت عملی در اسلام است. حفظ صلح و حسن هم‌زیستی: یکی دیگر از اهداف مهم در تعاملات مسلمانان با کفار در فقه اسلامی برقرار روابط مسالمت‌آمیز و جلوگیری از فتنه و درگیری، نه‌تنها مطلوب، بلکه در مواردی لازم دانسته شده است. چنانچه الله متعال می‌فرماید: ﴿لَا يَنْهَاكُمُ اللَّهُ عَنِ الَّذِينَ لَمْ يُقَاتِلُوكُمْ فِي الدِّينِ وَلَمْ يُخْرِجُوكُمْ مِنْ دِيَارِكُمْ أَنْ تَبَرُّوهُمْ وَتُقْسِطُوا إِلَيْهِمْ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُقْسِطِينَ﴾ (ممتحنه، ۸). ترجمه: (خداوند شمارا باز نمی‌دارد از این‌که نیکی و بخشش بکنید به کسانی که به سبب دین با شما نجنگیده‌اند و از شهر و دیارتان شمارا بیرون نرانده‌اند. خداوند نیکوکاران را دوست می‌دارد).

وجه استدلال: در سایه این اصل، تجارت و روابط اقتصادی می‌تواند ابزاری برای تقویت صلح، کاهش دشمنی و ایجاد درک متقابل میان مسلمانان و سایر ملت‌ها باشد، به شرط آن‌که اصول شرعی در آن رعایت گردد.

مناقشه

با بررسی ادله قرآنی، احادیث نبوی ﷺ و آرای فقها روشن می‌شود که دیدگاه غالب در فقه اسلامی بر جواز اصل تجارت با کفار غیر محارب استوار است؛ جوازی که بر عمومات اباحه معاملات و سیره عملی پیامبر اکرم ﷺ و صحابه کرام رضی‌الله‌عنهم مبتنی است. باین‌حال، این جواز مطلق نبوده و همواره با قیود و ضوابطی همراه شده که هدف آن حفظ مصالح دینی، اجتماعی و سیاسی مسلمانان است.

اختلاف فقها بیشتر در اصل جواز نیست، بلکه در گستره قیود و نحوه تطبیق آن بر شرایط مختلف دیده می‌شود. برخی فقها با تکیه بر قاعده اباحه و سیره نبوی، دایره تعاملات اقتصادی را وسیع‌تر دانسته‌اند؛ در مقابل، گروهی دیگر با استناد به قواعدی مانند نفی سبیل، منع اعانه بر اثم و حفظ عزت اسلامی، محدودیت بیشتری قائل شده‌اند؛ به‌ویژه در مواردی که احتمال تقویت دشمن یا سلطه اقتصادی و فرهنگی کفار وجود دارد.

از منظر فقه اسلامی، این مسئله کاملاً واقع‌گرایانه و پیامد محور است و نوع کافر (محارب یا غیر محارب)، موضوع معامله و آثار آن در حکم نقش اساسی دارد. بر این اساس، تجارت با کفار محارب یا معاملاتی که موجب تقویت نظامی، اقتصادی یا فرهنگی دشمنان اسلام شود، ممنوع یا شدیداً محدود شده است.

درنهایت، حکمت این احکام تنها اقتصادی نیست، بلکه اهدافی مانند تأمین نیازهای مسلمانان، حفظ صلح و همزیستی مسالمت‌آمیز و فراهم‌سازی زمینه دعوت عملی به اسلام را نیز شامل می‌شود.

نتیجه‌گیری

با توجه به بررسی‌های انجام‌شده، اصل تجارت با کفار در فقه اسلامی مشروع و جایز است؛ اما این جواز مطلق نبوده و در چارچوب ضوابط و شرایط شرعی معنا می‌یابد. فقها با تفکیک میان انواع کفار، تجارت با کفار غیر محارب را، مشروط بر آنکه موجب تقویت دشمنان اسلام، تضعیف عزت و استقلال مسلمانان، نفوذ فرهنگی و عقیدتی یا ارتکاب محرمات شرعی نشود، جایز دانسته‌اند؛ در مقابل، تجارت با کفار محارب یا معاملاتی که به سلطه اقتصادی، سیاسی یا فرهنگی آنان بینجامد، ممنوع است.

سیره پیامبر اسلام ﷺ و صحابه کرام رضی الله عنهم نیز نشان می‌دهد که تعاملات اقتصادی با غیرمسلمانان، مانند خرید و فروش، قرض، رهن، امانت، شراکت و پذیرش هدیه، در چارچوب احکام اسلامی انجام می‌شده و با حفظ هویت دینی، در تأمین نیازهای جامعه اسلامی و تقویت اعتماد متقابل نقش داشته است.

درمجموع، فقه اسلامی با رویکردی متوازن و ارزش‌محور، ضمن پذیرش اصل تعامل اقتصادی با غیرمسلمانان، ضوابط روشنی برای حفظ مصالح امت اسلامی، صیانت از هویت و عزت مسلمانان و جلوگیری از افراط و تفریط ارائه کرده است.

پیشنهادهای

۱- بازخوانی و تبیین احکام تجارت با غیرمسلمانان متناسب با شرایط اقتصادی معاصر و جهانی‌شدن بازارها.

۲- آموزش فقه معاملات و ضوابط تجارت با غیرمسلمانان به بازرگانان و فعالان اقتصادی مسلمان.

۳- تقویت اقتصاد اسلامی و حمایت از تولید داخلی برای کاهش وابستگی اقتصادی به کفار.

۴- پایبندی به اصول اخلاقی مانند صداقت، عدالت، وفای به عهد و امانت‌داری در تعاملات تجاری.

۵- انجام پژوهش‌های تکمیلی درباره تجارت با غیرمسلمانان در حوزه‌های اقتصاد معاصر، بانکداری بین‌المللی، شرکت‌های چندملیتی و تجارت دیجیتال از منظر فقه اسلامی.

منابع و مأخذ

قرآن کریم

ابن عابدین، محمدامین بن عمر. (۱۴۱۲هـ). رد المحتار علی الدرالمحتار، چاپ دوم، لبنان، بیروت، دارالفکر.

اصفهانی، راغب. (۱۴۱۲). المفردات، محقق: صفوان عدنان داوودی، چاپ اول، دمشق، سوریه، دارالقلم.

بخاری، محمد بن إسماعیل. (۱۴۲۲هـ). صحیح البخاری، محقق: محمد زهیر بن ناصر الناصر، چاپ اول، دار طوق النجاء.

جرجانی، علی بن محمد. (۱۴۰۳هـ). التعریفات، چاپ اول، لبنان، بیروت، دارالکتب العلمیة. دارقطنی، علی بن عمر. (۱۴۲۴هـ). سنن الدارقطنی، محقق: شعیب الارنؤوط، چاپ اول، لبنان، بیروت، مؤسسة الرسالة.

رازی، احمد بن فارس. (۱۳۹۹هـ). مقاییس اللغة، محقق: عبدالسلام و محمد هارون، لبنان، بیروت، دارالفکر.

رد شبهات ملحدین. (۱۳۹۶). همزیستی مسالمت آمیز با غیر مسلمانان در جامعه اسلامی، (ب ط).

زرقا، أحمد بن محمد. (۱۴۰۹هـ). شرح القواعد الفقهیة، چاپ دوم، دمشق، سوریه، دار القلم.

سابق، سید سابق. (۱۳۹۷هـ). فقه السنة، لبنان، بیروت، دارالکتب العربی.

سعدی، اوحیب. (۱۴۰۸هـ). القاموس الفقہی، چاپ دوم، انتشارات دمشق، سوریه، دارالفکر.

سرخسی، محمد بن احمد. (۱۴۱۴هـ ق). المبسوط. بیروت: دار المعرفة.

کاسانی، علاء الدین ابوبکر بن مسعود. (۱۴۰۶هـ ق). بدائع الصنائع فی ترتیب الشرائع. بیروت: دار الکتب العلمیة.

شهیدی، عبدالمتمین. (۱۴۰۲). نظام اجتماعی اسلام، چاپ ششم، افغانستان، کابل، انتشارات تمدن شرق.

شیبانی، محمد بن حسن. (بی تا). السیر الکبیر، چاپ اول، لبنان، بیروت، دارالکتب العلمیة.

شیبانی، أحمد بن محمد بن حنبل. (۱۴۲۱هـ). مسند الإمام أحمد بن حنبل، محقق: شعیب الأرئؤوط - عادل مرشد، وآخرون، چاپ اول، لبنان، بیروت، مؤسسة الرسالة.

- طریقی، عبدالله بن ابراهیم. (۱۴۲۸هـ). التعامل مع غیر المسلمین، اصول معاملتهم و استعمالهم، چاپ اول، ریاض، عربستان سعودی، دارالفضیلة.
- عثمانی، محمد تقی. (۱۴۳۶). فقه البیوع، کراچی، پاکستان، مکتبه معارف القرآن.
- عسقلانی، احمد بن علی. (۱۳۹۷هـ). فتح الباری محقق: محمد فؤاد عبدالباقی، چاپ اول، لبنان، بیروت، دارالمعرفه.
- عقل، عبدالرحمن بن عبدالعزیز. (۱۴۳۱). التعامل مع غیر المسلمین فی السنه النبویه، چاپ اول، جامعه القصیم.
- قزوینی، محمد بن یزید. (۱۴۳۰هـ). سنن ابن ماجه، محقق: شعیب الأرئوط - عادل مرشد - محمد کامل قره بللی - عبد اللطیف حرز الله، چاپ اول، دار الرساله العالمیه.
- قشیری، مسلم بن حجاج. (بی تا). صحیح المسلم، محقق: محمد فؤاد عبدالباقی، (ب ط). لبنان، بیروت، دار احیاء التراث العربی.
- کویتیه، وزاره الاوقاف. (۱۴۲۷هـ). الموسوعه الفقهیه الكويتیه، چاپ دوم، الكويت، دارالسلاسل.
- ماجد، خالد بن محمد. (بی تا). احکام التعامل مع غیر المسلمین، (ب ط).
- مرسی، علی بن اسماعیل. (۱۴۱۷). المخصص، محقق: خلیل ابراهیم جفال، چاپ اول، بیروت، دار احیاء التراث العربی.
- نووی، محیی الدین یحیی بن شرف. (۱۳۹۲). المنهاج شرح صحیح مسلم، چاپ دوم، لبنان، بیروت، دار احیاء التراث العربی.